یادداشت روز

طالبان تا کجا در نقشه آمریکا بازی می‌کند؟

۱- ممکن است برخی حاکمان در میان کشورهای همسایه نفهمند یا اجازه نداشته باشند که بفهمند. اما جمهوری اسلامی به اقتضای شرع و عقل، همسایگی را فرصت همکاری و هم‌افزایی برای پیشرفت کشورهای منطقه می‌داند. این رویکرد، نقطه مقابل سیاست انگلیس و آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل است که برای غارت کشورهای منطقه، تخم تفرقه کاشته و با استفاده از عوامل خود، دو به‌هم‌زنی کرده‌اند. راهبرد «صهیونیسم مسیحی»، جنگ‌افروزی و شرارت‌افکنی نیابتی در منطقه است و مهره‌هایی مانند صدام و داعش و برخی دولت‌های مرتجع هم به عنوان بخشی از واقعیت منطقه، کم شرارت نکرده‌اند. اما برآیند نگاه تمدن‌ساز و امنیت‌آفرین جمهوری اسلامی، تهدیدزدایی صبورانه و فرصت‌سازی برای تعمیق پیوند ملت‌ها در جهت پیشرفت هم‌افزا بوده است.

۲- همسایگان به گردن هم حق دارند. اما افغانستان و ایران، فقط همسایه نیستند. افغانستان، قرن‌ها پاره تن ایران بوده، و فرهنگ و مردمش، با ما عجین بوده‌اند. دست استعمار انگلیس، میان ما و افغانستان جدایی انداخت، چنانکه میان بسیاری از ملت‌های منطقه. افغانستان، دهه‌ها مستعمره انگلیس بود؛ تا اینکه پای شوروی و آمریکا به این کشور باز شد. چند بار هم در دو دهه اخیر، میان طالبان و دولت غربگرا دست به دست شد. با وجود همه این تحولات، تنها حاکمیتی که در دوران طولانی رنج و ناامنی، در کنار ملت افغانستان ایستاد و در حد توان از آلام آنها کاست، جمهوری اسلامی ایران بود. ایران تنها کشوری است که برادری خود را با ملت افغانستان ثابت نموده و حتی برای آن، هزینه پرداخته است.

۳- درباره گروه طالبان، بحث‌های دامنه‌داری در میان کارشناسان مطرح بوده، مبنی بر اینکه آیا یک جریان مستقل است، یا وابسته به برخی دولت‌ها مثل آمریکا، انگلیس، پاکستان، عربستان، امارات و قطر؟ گروهی واحد و متمرکز و منسجم است، یا دو پارگی و چنددستگی در آن جریان دارد؟ شرور و ستیزه‌جو و مسئولیت‌گریز است، یا می‌خواهد به عنوان دولتی مسئولیت‌پذیر و قائل به تعامل سازنده با همسایگان پذیرفته شود؟ در این باره، شواهد متناقضی از سوی طرفداران هر یک از دو دیدگاه ارائه می‌شود. برخی گروه‌های منتهی به تاسیس طالبان، توسط سرویس‌های اطلاعاتی انگلیس و پاکستان و با دلارهای سعودی و مدارس وهابی (تکفیری)، تعلیم و تجهیز شدند.

۴- هنگامی که مجاهدان افغانستانی با اشغالگران شوروی می‌جنگیدند، آمریکا (با کمک انگلیس) سران بخشی از جنگجویان را که طالبان بعدی را تشکیل دادند، تحت حمایت گرفت و آنها نیز «نه» نگفتند. هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا، سال ۲۰۰۹ در یکی از کمیته‌های کنگره گفت: «طالبان و القاعده که اکنون در حال جنگ با آن هستیم، ۲۰ سال پیش با حمایت ما شکل گرفت. ما نمی‌خواستیم شوروی بر آسیای میانه مسلط شود. با عربستان و پاکستان و دیگران همکاری کردیم و اسلام وهابی را وارد افغانستان کردیم. میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری کردیم و گفتیم فروپاشی شوروی، ارزشش را داشت». اشاره او به تله‌گذاری علیه شوروی بود؛ همان که زبیگنیو برژینسکی (مشاور اسبق امنیت ملی آمریکا) خرداد ۱۳۹۶ در گفت و گو با نشریه نوول ابزرواتور و با جزئیات بیشتر فاش کرد: «در روایت رسمی گفته می‌شود سازمان سیا، کمک به مجاهدان را بعد از اینکه ارتش شوروی، افغانستان را در ۲۴ دسامبر ۱۹۷۹ اشغال نمود، آغاز کرد. اما شش ماه قبل از اشغال بود که کارتر، اولین کمک مستقیم و مخفیانه را برای مخالفین رژیم هوادار شوروی در کابل فرستاد. من به پرزیدنت کارتر نوشتم کمک‌ها، ارتش شوروی را به دخالت تحریک می‌کند. عملیات سرّی، این تاثیر را داشت که شوروی را با پای خود به تله بیندازد. روزی که روس‌ها از مرز گذشتند، من به کارتر نوشتم ما این فرصت را داریم که به روس‌ها «جنگ ویتنام‌شان» را نشان دهیم. برای ۱۰ سال، مسکو مجبور بود در جنگی وارد شود که توانایی پیشبرد آن را نداشت و ناامیدی به بار آورد و در نهایت باعث فروپاشی امپراطوری شوروی شد». برژینسکی همچنین در میان شماری از «جنگجویان ضد شوروی» گفته بود: «ما اعتقاد عمیق طالبان به خدا را می‌دانیم و مطمئن هستیم که آنها در این مبارزه پیروز خواهند شد. زیرا شما برحقید و خدا با شماست».

۵- شش سال پس از سخنان برژینسکی، «لیندسی گراهام» سناتور جمهوری‌خواه، از تله‌گذاری مشابهی می‌گوید که علیه روسیه و این بار به قیمت ویرانی اوکراین انجام شد. او وقیحانه در دیدار با زلنسکی گفت: «روس‌ها دارند می‌میرند. این، بهترین پولی است که ما تا به حال خرج کرده‌ایم»! پیش از گراهام نیزُ رابرت کندی (نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا) اذعان کرد: «در جنگ آمریکا علیه روسیه، ۳۰۰ هزار اوکراینی کشته شدند. لوید آستین وزیر دفاع آمریکا، آوریل ۲۰۲۲ گفته بود هدف ما از پای درآوردن ارتش روسیه است. از پای درآوردن یعنی چه؟ یعنی به کشتن دادن اوکراینی‌ها. بیایید صادق باشیم. این درواقع، جنگ آمریکا به خاطر مسائل ژئوپلیتیکی علیه روس‌هاست؛ دسیسه‌ای که توسط نهادهای اطلاعاتی و نومحافظه‌کاران در سال ۲۰۱۴ آغاز شد. ما ۳۰۰ هزار اوکراینی را به کشتن دادیم».

۶- آمریکایی‌ها در افغانستان برای شوروی تله گذاشتند، اما دو دهه بعد، خودشان در همان تله گرفتار شدند. آنها به هدف نهایی ۲۰ سال اشغال افغانستان که تهدید چین و از آن مهم‌تر ایران بود، نرسیدند و مجبور شدند پس از صرف هزینه‌های گزاف اقتصادی، انسانی و حیثیتی، نیروهای خود را خارج کنند. پس از این اتفاق،۹۰ ژنرال آمریکایی، ضمن مطالبه استعفای وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک ارتش نوشتند: «از دست رفتن میلیاردها دلار تجهیزات نظامی فاجعه‌بار است. لطمه‌ای که به اعتبار ایالات متحده وارد شده، قابل توصیف و جبران نیست. تا سالیان دور در هر توافق یا عملیات چند ملیتی، شریکی غیرقابل اتکا دیده خواهیم شد. دشمنان، حالا به دلیل ضعفی که نشان داده شد، برای اقدام علیه ما جسور شده‌اند. ابتدا چین و بعد از آن روسیه، ایران، کره شمالی و دیگران، بیشترین نفع را می‌برند». مدتی بعد هم جو بایدن گفت: «ایالات متحده برخلاف ۲۰ سال پیش که وارد جنگ در افغانستان شد، فاقد هدف روشن و مشخص است. ما ۲۰ سال است روزانه ۳۰۰ میلیون دلار در افغانستان هزینه می‌کنیم و نمی‌توانستیم به این هدر دادن ادامه دهیم. دنیا در حال تغییر و تحول است. ما درگیر رقابت جدی هستیم. چین و روسیه آرزو دارند که آمریکا ۱۰ سال دیگر در افغانستان گرفتار شود».

۷- آمریکا و پادوهای منطقه‌ای آنها حماقت کردند و سال‌ها درگیر چالش‌های فرساینده در افغانستان، عراق، سوریه و یمن شدند و حالا آرزو و نقشه دارند که مثل خود احمق‌شان، ایران را هم درگیر چالش‌های مشابه با همسایگان کنند؛ یا از آن طرف، در مقابل ایجاد شرارت و ناامنی، منفعل نگه دارند و هزینه‌های امنیتی و سیاسی و اقتصادی تحمیل کنند. آمریکایی‌ها معتقدند دیگی که برای من نمی‌جوشد، سر سگ در آن بجوشد. آمریکا در افغانستان شکست خورد اما به جریان رسانه‌ای و سیاسی مزدور ماموریت داد تا این سرشکستگی را برای ایران فاکتور کنند! بنابراین، بی‌غیرت‌های همیشگی، ناگهان غیور شدند و گفتند ایران باید به جنگ طالبان برود و به افغانستان حمله کند. دلقک‌هایی هم آن طرف مرز بودند که به دستور سرویس‌های جاسوسی، مرتکب برخی خبط‌ها شوند، یا ویدئو های تحریک‌آمیز پر کنند و برای عملیات روانی، در اختیار ستاد همکار موازی (غربگرایان ایرانی) قرار دهند.

۸- برخی تحلیلگران می‌گویند طالبان، طیفی از نیروهاست و قضاوت یکسره درباره همه آنها نمی‌تواند دقیق باشد. می‌گویند هم ضدآمریکایی دو آتشه در میان طالبان هست و هم کسانی که از گذشته، پیوند و تبانی با آمریکا (و برخی رژیم‌های مشابه) دارند، یا در مرور زمان خریده شده‌اند. طالبان از نگاه این تحلیلگران، سازمانی یکدست نبوده و بعضا حتی میان دو طیف درون آن، تسویه‌حساب‌های خونینی شکل گرفته است. هر چند تفاوت میان برخی طوایف حاضر در جرگه طالبان قابل انکار نیست، اما در عین حال، طالبان، حکومت مستقر در افغانستان است و بنابراین مسئولیت و پیامدهای هر نوع نقض حقوق همسایگان، با اوست. ضمنا دولت طالبان عمدتا با زور اسلحه مستقر شده و دارای مشروعیت کافی از نظر حقوق بین‌الملل نیست؛ بنابراین، باید بیش از هر دولت دیگری مراقب رفتار اجزای خود باشد.

۹- ما دشمن اصلی را گم نمی‌کنیم. مطلوب آمریکا و انگلیس و اسرائیل - به عنوان پشت صحنه اتاق عملیات علیه ایران- بی‌ثبات‌سازی منطقه و فرسایش کشورهای همسایه در درگیری با یکدیگر است؛ در حالی که راهبرد ما، دوستی و همکاری و هم‌افزایی میان کشورها بوده است. ترجیح جمهوری اسلامی در احقاق حقوق و تامین امنیت خود، گفت‌وگو و تعامل است و این مدل راهبردی را با هر دولت دیگری (به استثنای رژیم نامشروع صهیونیستی) به اجرا گذاشته است. اما در عین حال، آنجا که برای احقاق حق و تامین امنیت لازم بوده، از تأدیب متجاوز دریغ نکرده است؛ صدام بوده باشد، یا گروه‌های تروریستی در دیرالزور سوریه و کوی سنجق و اربیل عراق، و یا دزدان آمریکایی و انگلیسی در ماجرای نفتکش‌ها و پهپادهای متجاوز. نیروهای مقتدر ما، در اغلب این موارد، عملیات را با نقطه‌زنی دقیق و موثر، به سرانجام رسانده‌اند.

بقیه در صفحه ۱۱

کیهان بررسی کرد

قهرمان محبوب مدعیان اصلاحات به دنبال تحریم ۵۰ ساله ایران

مواضع ضدایرانی زلنسکی در حالی است که برخی رسانه‌های داخلی در گذشته‌ای نه چندان دور از او قهرمانی بی‌بدیل ساخته بودند.

در ادامه اتهام‌زنی‌ها و اقدامات ضدایرانی کی‌یف، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین پیشنهاد اعمال تحریم‌های ۵۰ ساله علیه ایران را داده است. این موضوع در پیش‌نویس قطعنامه ارائه شده به پارلمان اوکراین (رادا) مطرح شده است.

در پیش‌نویس این قطعنامه که روی وب سایت پارلمان اوکراین قرار گرفته، عبارت «اجرای اقدامات ویژه اقتصادی بخش‌بندی شده و سایر اقدامات محدودکننده (تحریم) جمهوری اسلامی ایران به مدت ۵۰ سال» درج شده است.

بر اساس گزارش‌ها، در صورت تصویب لایحه مزبور از سوی قانونگذاران اوکراینی، فعالیت‌های تجاری این کشور با ایران به طور کامل ممنوع می‌شود و ترانزیت منابع، پروازها و حمل‌ونقل در خاک اوکراین متوقف خواهد شد.

علاوه بر این، جذب سرمایه برای ایرانی‌های خارج از اوکراین غیرممکن خواهد شد. همچنین کی‌یف می‌تواند برخی اقدامات علیه ایران از جمله ممنوعیت هرگونه سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران را اجرا کند.

البته با توجه به حجم نه چندان بالای مراودات اقتصادی اوکراین و جمهوری اسلامی ایران و تبعیت کامل کی‌یف از تحریم‌های ضدایرانی واشنگتن، مشخص نیست که این تحریم‌ها قرار است چه فشاری بر ایران وارد کند و دولت زلنسکی چه هدفی را از این تحریم‌ها دنبال می‌کند.

تکرار ادعاهای بدون سند توسط زلنسکی

زلنسکی، کمدینی که در کسوت ریاست‌جمهوری اوکراین حدود ۲۰ درصد از خاک کشورش را از دست داده و اخیرا ارتش کشورش با هزاران کشته شهر باخموت را به ارتش روسیه واگذار کرده است، ایران را متهم به ارسال سلاح برای روسیه می‌کند.

وی در ادامه ادعاهای پرتکرار خود مبنی بر استفاده از پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین، در پیامی ویدیویی از ایران خواسته تا در ارسال این پهپادها به روسیه تجدیدنظر کند.

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام نموده از وقوع جنگ و مشکلاتی که برای مردم اوکراین به وجود آمده عمیقا متاسف است و طرفدار پایان جنگ می‌باشد.

همچنین مقامات ایرانی بارها اعلام نموده‌اند آمادگی لازم برای مساعدت در پایان درگیری و گفت‌وگو میان طرفین را دارا هستند.

قهرمان‌سازی از یک دلقک توسط جریان غربگرا

مواضع ضدایرانی زلنسکی در حالی است که برخی رسانه‌های داخلی در گذشته‌ای نه چندان دور از او قهرمانی بی‌بدیل ساخته بودند.

به عنوان مثال، روزنامه سازندگی در یکی از شماره‌های خود در اسفند ۱۴۰۰، با قرار دادن تصویری از زلنسکی در صفحه اول خود، او را «رئیس‌جمهور در میدان» نامیده است!

روزنامه آفتاب یزد نیز که از روزنامه‌های وابسته به جریان مدعی اصلاحات محسوب می‌شود، در همان ایام با انتشار تصویری مشابه از رئیس‌جمهور اوکراین، عنوان «درس زلنسکی به سیاستمداران پرمدعا» را برای تیتر خود برگزیده است.

در حقیقت رسانه‌های جریان غربگرا چنان تمجید و تعظیمی از رئیس‌جمهور اوکراین که یک رقصنده و هنرپیشه طنز بود و به مدد آمریکا رئیس‌جمهور شد، به عمل آوردند که نظیر آن را حتی برای رئیس‌جمهور کشورمان انجام نداده‌اند!

البته این قهرمان‌سازی دروغین از جانب جریان رسانه‌ای غربگرا بی‌سابقه نیست، چنان‌چه در نمونه‌ای دیگر، در پی دیداری که الکساندر وویچ، رئیس‌جمهور صربستان با رئیس‌جمهور وقت آمریکا دونالد ترامپ داشت و برخلاف عرف بین‌الملل، خاضعانه و مانند یک کارگزار مقابل او نشسته بود، از او قهرمان ساختند و او را مدافع منافع کشور و مردمش خواندند!

حال باید دید پس از این اقدام آشکار ضدایرانی رئیس‌جمهور اوکراین، واکنش رسانه‌هایی که از او یک قهرمان ساخته بودند چه خواهد بود. آیا شهامت محکومیت این اقدام را خواهند داشت یا در قبال آن سکوت خواهند کرد.

ژنرال اسرائیلی اعتراف کرد

وحشت صهیونیست‌ها از اتحاد ایران، روسیه و چین

ژنرال بازنشسته رژیم صهیونیستی و بنیانگذار مجمع امنیت نظامی این رژیم با ابراز نگرانی درخصوص اتحاد چین، روسیه و ایران، از آمریکا خواست ائتلافی ضدایرانی برای توقف این اتحاد تشکیل دهد.

«امیر آویوی» ژنرال بازنشسته و بنیانگذار و رئیس‌مجمع امنیت نظامی رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با وبگاه «Just the News» درخصوص تشکیل ائتلاف چین-روسیه و جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا ابراز نگرانی کرد. وی در این خصوص گفت: «ما شاهد تغییر بزرگی در سال گذشته بوده‌ایم. ما شاهد ظهور اتحاد روسیه-چین-ایران در خاورمیانه (غرب آسیا) هستیم و آنها حس می‌کنند که غرب تمایلی به مبارزه ندارد.»

این ژنرال بازنشسته سپس با ابراز نگرانی از اتحاد سه جانبه پکن، تهران و مسکو از ایالات متحده درخواست کرد که نقش رهبری را در ایجاد یک ائتلاف ضدایرانی برای جلوگیری از تحکیم اتحاد چین-روسیه با تهران که به اعتقاد وی منجر به ثبات‌زدایی در غرب آسیا می‌شود، ایفا کند. آویوی بار دیگر لفاظی‌های ضدایرانی مقام‌های صهیونیست را تکرار کرد و گفت: «اسرائیل، در پایان روز، در صورت نیاز، از خود دفاع خواهد کرد.» نگرانی درخصوص تقویت روابط میان رقبای ایالات متحده آمریکا در دوران ریاست‌جمهوری «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا افزایش یافته است.

در ماه مارس، دفتر مدیر اطلاعات ملی آمریکا ارزیابی سالانه تهدید را منتشر کرد که در آن به «جو امنیتی بین‌المللی پیچیده و محوری» که واشنگتن با آن مواجه است، اشاره شده بود. بر اساس این گزارش، روسیه روابط نظامی و زیرساختی خود را با جمهوری اسلامی ایران افزایش داده است و روسیه در بخش زیرساخت ایران برای ساخت یک شبکه تجاری برای متصل کردن خلیج‌فارس به دریای بالتیک سرمایه‌گذاری کرده است. بر اساس این گزارش، آویوی به چنین تحولاتی اشاره کرد و مدعی شد که این اتحاد به طور چشمگیری در نقاط حساس ژئوپلیتیکی فعال است و برای افزایش نفوذ رقابت می‌کند. وی در این خصوص گفت: «بنابراین همان‌طور که می‌دانید، آنها نه تنها سخت در اقیانوسیه و اروپا تلاش می‌کنند بلکه در خاورمیانه نیز تلاش می‌کند و این کل منطقه را بی‌ثبات می‌کند.» این مقام صهیونیست در ادامه با اشاره به این موارد از ایالات متحده درخواست کرد تا اقدامی را علیه ائتلاف ایران، روسیه و چین انجام دهد.

وی در این‌باره گفت: «و آن‌چه در واشنگتن گفتم این است که ما به رهبری آمریکا نیاز داریم. ما به ایالات متحده برای رهبری ائتلافی برای ایجاد یک تهدید نظامی علیه ایران نیاز داریم و با انجام این کار، آنها همچنین می‌توانند چینی‌ها را در اقیانوس آرام و روس‌ها را در اروپا مهار کنند.» آویوی همچنین تصریح کرد: «بنابراین ما واقعاً با اتحاد با اسرائیل و با جهان سنی، می‌توانیم بازدارندگی دوباره در جهان ایجاد کنیم و همچنین به صلح دست یابیم.» وی سپس درباره صلح میان عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی گفت: «سعودی‌ها واقعا خواهان تلاش برای توافق صلح با اسرائیل هستند. آنها بدون گام رو به جلوی ایالات متحده چنین کاری را انجام نمی‌دهند و می‌خواهند که بخشی از این ائتلاف برای دفاع از خاورمیانه باشند.» به گزارش فارس، آویوی در اظهارات خود که نشان‌دهنده یأس از حمایت واشنگتن از رژیم صهیونیستی بود، ادامه داد: «اسرائیل در پایان روز در صورت نیاز، خودش از خودش دفاع می‌کند. ما آمادگی این کار را داریم اما اگر اسرائیل وارد جنگ شود، کل منطقه هرج و مرج می‌شود و بر کل جهان تأثیر می‌گذارد. بله این راه‌حل خوبی نیست بنابراین ما امیدواریم که به زودی شاهد تغییر باشیم.»

خبر ویژه

نگرانی اندیشکده آمریکایی از نفوذ فزاینده ایران در آفریقا

یک‌اندیشکده آمریکایی درباره گسترش نفوذ ایران در کشورهای آفریقایی به ویژه در دولت رئیسی هشدار داد.

«شورای آتلانتیک» در تحلیلی به قلم «دنی سیترینوویچ» می‌نویسد: در رقابت بین قدرت‌های بزرگ در آفریقا، نباید از ایران به عنوان یک رقیب چشم پوشی کرد. دولت بایدن در چارچوب رقابت قدرت‌های بزرگ، به دنبال تقویت همکاری‌های دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی با قاره آفریقا برای جلوگیری از نفوذ چین و روسیه است. با این حال، یکی از حوزه‌هایی که هر دو دولت بایدن و ترامپ آن را به طور کل به فراموشی سپردند، نفوذ فزاینده ایران در این قاره و نیاز به تدوین سیاستی است که آزادی عمل تهران در آفریقا را محدود کند. در نتیجه تشدید فشارهای سیاسی، آفریقا به قاره‌ای جذاب برای ایران تبدیل شده است. ایران قاره آفریقا را به‌عنوان میدان نبرد برای کسب نفوذ، قدرت و قلمرو می‌بیند. علاوه براین تهران در قاره آفریقا به دنبال مقابله با نفوذ غرب به‌ویژه ایالات متحده نیز بوده و در همکاری با عناصری که مخالف استعمار هستند تلاش کرده است مسیر مستقل‌تری را ترسیم کند. علاوه‌بر این، ایران شبکه جهانی سازمان‌های مذهبی و فرهنگی خود، از جمله دانشگاه ها و موسسات خیریه را هم به‌کار گرفته تا نفوذ خود بر اقلیت‌های شیعه در آفریقا را افزایش دهد.

ایران با استفاده از نفوذ خود در بسیاری از کشورهای آفریقایی برای حفظ منافع و حمایت از افراد نزدیک به خود بهره می‌برد. نمونه بارز آن تلاش بی‌سابقه ایران برای آزاد کردن روحانی شیعه نیجریه «شیخ ابراهیم زکزاکی» از بازداشت در سال ۲۰۱۹ بوده است. در این مورد شبکه تلویزیون «Hausa TV» که به ایران نزدیک است، موثر بود و بر آزادی او اصرار داشت.

در میانه‌های اسفند ۱۴۰۱ اجلاس اقتصادی ایران و آفریقای غربی در تهران برگزار شد که این نیز نشانه دیگری از تلاش ایران برای تقویت روابط خود با کشورهای آفریقایی و تقویت جایگاه آن به ویژه در غرب این قاره ارزیابی می‌شود. اقدام فوق در واقع بخشی از خط مشی ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور در تقویت رابطه ایران با کشورهای غرب آفریقا می‌باشد که نمونه بارز این رویکرد در سفر وی به گینه بیسائو در آگوست ۲۰۲۱ نمایان شد. وی قول داده است که به گسترش روابط بین ایران و کشورهای قاره آفریقا ادامه می‌دهد.

باید در چارچوب جلوگیری از تحکیم منافع ایران در این قاره، چند مسئله مورد توجه قرار گیرد. اولین و مهم‌ترین پویش را تهران علیه متحدان آمریکا در آفریقا از جمله در سودان و مراکش به راه‌انداخته است؛ این‌ها کشورهایی هستند که جرأت کردند و برای عادی سازی روابط خود با اسرائیل وارد عمل شدند. ایران در چارچوب سیاست خود، روابط نظامی و دیپلماتیک‌اش را با الجزایر افزایش داد و کمک‌های نظامی به جبهه پولیساریو در صحرای غربی را بیشتر کرده است. ایران هم‌چنین در موریتانی هم وارد عمل شد و آن را به عنوان یک منطقه اولویت‌دار برای طرح‌های نفوذ خود در منطقه صحرا تعیین کرد. تلاش‌های ایران برای افزایش نفوذ خود در منطقه راهبردی شاخ آفریقا، پس از پیوستن خارطوم به توافق‌نامه ابراهیم آسیب دید. ایران اسرائیل را به ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در مسائل داخلی سودان متهم کرده است. علاوه‌بر این، تهران هم‌چنان فعالانه کوشش می‌کند تا دکترین خود را در این کشور گسترش دهد و در عین حال نیروهای پشتیبان امضای توافق عادی‌سازی با اسرائیل را تضعیف کند. ایران هم‌چنین از طریق تقویت حضور دیپلماتیک خود در نهادهای مختلف آفریقایی مانند اتحادیه آفریقا، در حال انجام یک کارزار سیاسی پرقدرت برای جلوگیری از تقویت روابط اسرائیل با کشورهای آفریقایی است.

هم‌چنین برخلاف بستر دخالت ایران در جنگ اوکراین و حرکت تهران برای افزایش فروش تجهیزات نظامی خود در این جنگ، در قاره آفریقا به طور طبیعی این تمایل وجود دارد. دولت بایدن برای محافظت از متحدان خود در آفریقا و حفظ منافع ایالات متحده در این قاره، نمی‌تواند تنها بر حضور رو به رشد چین و روسیه در آن متمرکز باشد. ضمن آن‌که باید نفوذ عمیق‌تر تهران در آفریقا را نیز مد نظر داشته باشد زیرا این چالشی فزاینده برای سیاست آمریکا در آفریقا است. واشنگتن باید با همکاری کشورهای آفریقایی و کشورهای خلیج‌فارس، یک برنامه کاری منظم آماده کند که هدف آن کاهش نفوذ ایران در آفریقاست. با نگاهی به آینده، آفریقا هم‌چنان هدف جذابی برای سیاست ایران در دوره رئیسی خواهد بود. بدون یک برنامه عملیاتی سنجیده، ایالات متحده توانایی چندانی برای بیرون راندن تهران از آفریقا و جلوگیری از هماهنگی آن با چین و روسیه نخواهد داشت، به ویژه آن‌که پکن و مسکو در ماه‌های اخیر به شکلی بی‌سابقه در حال نزدیکی به تهران بوده‌اند. بنابراین، مقابله با نفوذ ایران در آفریقا باید زودتر به اولویت دولت بایدن تبدیل شود.

پیام قدرتمند خرمشهر-۴ به آمریکا و اسرائیل رسید

پس‌لرزه‌های رونمایی موشک دور برد «خرمشهر چهار» (خیبر) محافل سیاسی و رسانه‌ای در آمریکا، رژیم صهیونیستی و منطقه را تکان داد.

اندیشکده آمریکایی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) با اشاره به توانایی‌های راهبردی و تاکتیکی موشک خرمشهر-۴ تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران، بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی غرب آسیا را در اختیار دارد که توانمندی گسترده‌ای را به این کشور می‌دهد.

این اندیشکده نوشت: ایران جدیدترین موشک بالستیک خود را در بحبوحه نگرانی‌های فزاینده ایالات متحده و متحدانش در مورد پیشرفت فعالیت‌های هسته‌ای تهران به نمایش گذاشت. «خرمشهر-۴» به دلیل سطح مقطع راداری کم آن می‌تواند از دید رادارها بگریزد و به سامانه‌های پدافند هوایی دشمن نفوذ کند. این موشک با برد ۲ هزار کیلومتری خود می‌تواند یک کلاهک ۳۳۰۰ پوندی (۱۵۰۰ کیلوگرمی) را حمل کند که این یکی از سنگین‌ترین کلاهک‌ها در زرادخانه ایران است. پیشرفت‌های مستمر در موشک‌های بالستیک ایران موجب شده است که تهران از لحاظ کمی، بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک را در خاورمیانه داشته باشد.

خرمشهر ۴ در فناوری پیشران خود از سوخت مایع استفاده می‌کند. ژنرال مایکل کوریلا، فرمانده فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام)، ماه گذشته به کمیته نیروهای مسلح سنا گفت که ایران، بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی در خاورمیانه را دارد و همچنین از بیشترین تعداد و توانمندترین پهپادها برخوردار است. چنین زرادخانه بزرگی، توانمندی و نفوذ گسترده‌ای را به ایران در منطقه داده است.

در همین حال رسانه آمریکایی المانیتور با طرح این سؤال که «مخاطب خرمشهر ۴ کیست؟»، نوشت: رونمایی موشک مذکور، همزمان با تهدیدهای اسرائیل مبنی بر آمادگی برای اقدام نظامی علیه تهران صورت گرفت. این رسانه آمریکایی نسبت به قابلیت‌های موشک جدید خرمشهر ۴ ابراز شگفتی کرده و می‌افزاید: موشک خیبر نسخه ارتقا یافته موشک خرمشهر است که در سال ۲۰۱۷ رونمایی شد. این موشک قادر به حمل کلاهک‌های متعدد تا اسرائیل و فرار از تله‌های راداری دشمن است. یکی از ویژگی‌های این موشک ۱۳ متری نوع کنترل آن بر حرکت در خارج از جو و سرعت آماده شدن آن برای پرتاب است که به کمتر از ۱۲ دقیقه می‌رسد.

برد اعلام شده این موشک طوری است که بتواند به اسرائیل برسد، اسرائیلی که هفته گذشته ایران را به دلیل افزایش غنی‌سازی هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای، به اقدام نظامی تهدید کرده بود.

برخی رسانه‌های منطقه‌ای نیز در گزارش‌های مختلف و با عناوینی مانند عنوان‌های زیر، به استقبال رونمایی موشکی ایران رفتند:

- الجزیره: پیام مستقیم ایران به دشمنانش از طریق موشک بالستیک جدید خیبر.
- الحدث: تهران از قدرتمندترین موشک بالستیک خود با برد ۲۰۰۰ کیلومتر رونمایی کرد.
- العربی الجدید: آمریکا قبلا درباره راه‌حل نظامی صحبت می‌کرد اما اکنون فقط از راه‌حل دیپلماتیک حرف می‌زند.
- الحرّه: این موشک جزو دوربردترین‌ها در زرادخانه موشک‌های بالستیک ایران است.

دولت روحانی، استفاده مناسبی از سفر رئیس‌جمهور چین نکرد

در حالی که دولت روحانی به چین و روابط با آن بها نمی‌داد، معاون وزیر ارشاد دولت وی، به تمجید از توانمندی‌های چین پرداخت.

حسین انتظامی در خبرآنلاین نوشت: کتاب «رویای چینی» را تازه دست گرفته‌ام؛ خواندنی و جذاب است. این کتاب به شناخت چین کمک می‌کند. مترجم کتاب بدرستی‌اشاره می‌کند که چه باورمند «نگاه به شرق» و چه مخالف دولت چین باشیم شناخت دقیق این ابرقدرت، ضروری است. این کتاب شامل ۸۵ سخنرانی عمدتا خارجی رهبر چین در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ است. برای شناخت دولت چین، ملاحظه اسناد رسمی و از جمله سخنرانی‌های مقامات‌شان راهگشاست...

کشورهایی مثل آلمان و ژاپن نشان داده‌اند که بدون اتکا به نیروی نظامی می‌توان قدرتی بزرگ شد تا سایر قدرت‌ها نتوانند کشورت را نادیده بگیرند و یا با زبان زور با او سخن بگویند. به عبارت بهتر، درخشش آلمان و ژاپن در یکی‌دو دهه پس از جنگ جهانی دوم و برخاستن از خاکستر، اساسا تعاریف و شاخص‌های قدرت را هم عوض کرد. تا آن زمان قدرت صرفا در بعد نظامی تعریف می‌شد اما آنها مؤلفه اقتصاد را برجسته کردند. چین نیز در عِداد آنهاست؛ با این تفاوت که اولا مثل آنان محکوم به نداشتن نیروی نظامی نبوده و ثانیا اگرچه ظاهرا یا موقتا برای حساس نکردن رقیب اصلی، مواضع چالشی نمی‌گیرد و ساز و برگ‌های جنگی را به رخ نمی‌کشد اما به توسعه و نوسازی حوزه نظامی خود همت کرده است.

نکته برجسته در مقامات چین، وفاداری آنان به انقلاب، مائو و حزب است. آنان حتی اگر مائوزدایی را -که از دوره شیائوپینگ شروع شد- دنبال کرده‌اند اما به رغم مقامات شوروی، آشکارا علیه رهبران گذشته و در گذشته موضع نمی‌گیرند و مرتبا به وفاداری خود اصرار می‌ورزند. از این‌رو رهبرانی چون شیائوپینگ، جیانگ زمین و جناب شی، افرادی مومن به سوسیالیسم‌اند که به جای تجدیدنظرطلبی (به مفهوم پشیمانی) به دنبال اصلاح و کمال سوسیالیسم چینی‌اند.

اگرچه حکومت چین با استانداردها و ارزش‌های غربی، خودکامه به شمار می‌آید که با فیلترینگ گسترده و رصد دائمی مردم خود و سخت‌گیری‌های ضد مذهب، تغییر قانون اساسی و تقریبا مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری، کشوری آزاد قلمداد نمی‌شود اما مهم این است که در کمتر از چهار دهه، بزرگ‌ترین جمعیت دنیا را از زیر خط فقر برکشید و امروز دومین اقتصاد دنیا را تشکیل داده و تنها اوست که رقیب آمریکا قلمداد می‌شود و عنقریب به سرآمدی می‌رسد...

در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ که در وزارت ارشاد بودم از نزدیک سه جلوه از مدیریت منسجم، خلاف آمد و درس‌آموز چینی را دیدم: در سال ۱۳۹۴ همین جناب شی‌جین‌پینگ، در صدر هیئتی به ایران آمد. در آن هیئت پر تعداد چندین مدیر رسانه‌ای هم بودند؛ نه به عنوان زینت‌المجلس یا مخابره خبرهای رئیس، بلکه برای جلسات کاری با همتایان خود و تعریف و گسترش همکاری‌ها. هرچند متاسفانه طرف ایرانی نتوانست خوشه‌چینی مناسب کند اما آنان با جلسات جدی با مدیران رسانه‌ای نشان دادند که قدرت نرم را فهم کرده‌اند و در صدد اجرای واقعی شعارهای ما در سخنرانی‌های استانداردمان (نفی سلطه خبری کشورهای شمالی) هستند».

گفتنی است سفر شی جین پینگ به تهران در اوج سرمستی‌های برجامی روحانی بود و بنابراین پیشنهادهای طرف چینی برای گسترش مناسبات با استقبال دولت روحانی مواجه نشد تا آنجا که حتی آقای ظریف در آخرین گزارش برجامی به مجلس نوشت: «اگر در مورد ضرورت کار متوازن با شرق و غرب به یک اجماع ملی رسیده بودیم و با خوش خیالی، دوستان دوران سختی را در سراب طمع سرازیر شدن شرکت‌های غربی از خود نرنجانده بودیم، دوستانمان سرخورده نمی‌شدند و در دوران سختی رهایمان نمی‌کردند».

گفت و شنود

انگل داری!

گفت: آزادی آقای اسدی دیپلمات ربوده شده کشورمان از زندان بلژیک و بازگشت او به وطن بدجوری گروه‌های اپوزیسیون را به وحشت انداخته است.

گفتم: چرا وحشت؟!

گفت: چند تن از سران اپوزیسیون گفته‌اند وقتی اروپا مجبور می‌شود یک دیپلمات ایرانی را پس بدهد، احتمال دارد که در یک معامله مشابه دیگر، ما را هم به ایران تحویل بدهند!

گفتم: حیوونکی‌ها می‌خواهند خودشان را مهم قلمداد کنند! این اپوزیسیون اجق وجق در خارج از کشور خیلی برایمان مفید هستند، کلی باعث خنده ملت می‌شوند!

گفت: ربع پهلوی گفته است مقامات بلژیک قبلاً اعلام کرده بودند که برای اپو